

اقتصاد

لزوم برقی شدن ۵۰ درصد خودروها طی ۱۰ سال

پیش بینی واردات ۳ میلیارد دلار بنزین

صفحه ۴



قدرت دیپلماتیک دوحه چگونه گسترش یافت؟

قطر در نقش میانجی

دوحه در دو سال اخیر تلاش‌هایی هم جهت میانجی‌گری میان ایران و ایالات متحده کرده بود که در نتیجه آن بخشی از اموال کشورمان در کره‌جنوبی و عراق آزاد و تعدادی از زندانیان دو طرف هم راهی خانه‌هایشان شدند. قطر مسیر تبدیل شدن به یک میانجی منطقه‌ای را به سرعت طی کرده است. این کشور نخستین بار این کار را میان طالبان و آمریکایی‌ها انجام داد و حالا توانسته با پادرمیانی، آتش‌بس چهار روزه‌ای بین حماس و اسرائیل ایجاد کند. این در حالیست که از طرفی با گروه حماس ارتباطات نزدیکی دارد و از طرف دیگر توانسته کاتال‌های ارتباطی خود را با تلویوی حفظ کند. دوحه در دو سال اخیر تلاش‌هایی هم جهت میانجی‌گری میان ایران و ایالات متحده کرده بود که در نتیجه آن بخشی از اموال کشورمان در کره‌جنوبی و عراق آزاد و تعدادی از زندانیان دو طرف هم راهی خانه‌هایشان شدند. اما قطر چطور همه این کارها را انجام می‌دهد؟

قطر به عنوان مفر برخی از نیروهای حماس شناخته می‌شود. اسماعیل هنیه در این کشور حضور دارد و البته دوحه اعلام کرده کمک مالی به این گروه فلسطینی ندارد. با این حال قطر به عنوان حامی حماس در جهان عرب شناخته می‌شود. این روابط نزدیک احتمالاً یکی از دلایلی است که باعث شده قطر دوحه بتواند در میانجی‌گری میان اسرائیل و حماس موفق عمل کند.

آتش‌بس در شرایطی روز جمعه شروع شد که غزه برای مدت بیش از یک ماه و نیم تحت شدیدترین بمباران‌ها قرار داشت. همزمان تعدادی از اسرای فلسطینی در زندان‌های رژیم صهیونیستی بودند که قرار شده این اسرا مبادله شوند. بخشی از این مبادلات در همان روز جمعه انجام گرفته است.

میانجی‌گری بین حماس و اسرائیل باعث شد تا قطر از سوی کشورهای دیگر و مقامات بین‌المللی مورد ستایش قرار بگیرد. یکی از این افراد جوزپ بورل بود. همزمان عربستان هم در بیانیه‌ای که به دلیل آتش‌بس و در استقبال از آن منتشر کرد، قطر را به عنوان رقیب منطقه‌ای خود مورد خطاب قرار داد و از تلاش‌های این کشور تشکر به عمل آورد.

شرح در صفحه ۷

یک چهره سیاسی اصولگرا:

انتخابات ۱۴۰۰، هشدار و تذکری برای مسئولان بود

خبری از خودروی برقی وارد نیست

وعده‌های تکراری

تحصیلات تکمیلی اتباع در ایران دشوار است؟

بیش از ۴۰ هزار افغانی در ایران تحصیل می‌کنند



مصوبه‌ای افزایش سن بازنشستگی ابهام دارد

مشکلات صندوق‌ها حل می‌شود؟

صفحه ۳

سخن نخست



عباس محمدی

امید باغ گیاه‌شناسی به دیوان عدالت

باغ گیاه‌شناسی ایران در جاده‌ی تهران - کرج که به‌عنوان یک اثر ملی و تاریخی به ثبت رسیده، در بهترین باغ‌های این نوع در جهان است. این باغ ۱۴۵ هکتاری سالانه صدها هزار بازدیدکننده دارد که با عشق و شور برای دیدن نمونه‌هایی از طبیعت غنی کشور و چند نمونه از جامعه‌های گیاهی جهان، روی به این قطعه‌ی بهشتی می‌آورند. این باغ پنجاه هزار نمونه گیاه از ۴۳۰۰ گونه‌ی مختلف را به‌صورت زنده و حدود یکصدونوده‌هزار نمونه‌ی خشک‌شده را در هرپاریوم جای داده و به این ترتیب یک بانک ژنتیکی بسیار ارزشمند را پدید آورده است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

ها گرفته شود؟ اینجاست که باید پاسخ داد آیا حق آزادی مردمان غزه که درگیر یک مرگ تدریجی اند کمتر از حق حیات مردم اسرائیل ارزش دارد؟ اما حامیان اسرائیل تلاش دارند تا اینگونه القا کنند که حماس برخلاف خواست ساکنان این منطقه آنان را درگیر جنگی ناخواسته کرده است. در اینجا هم این سوال را می‌توان مطرح کرد که بر اساس کدام نظرسنجی این نتیجه بدست آمده که مردم غزه مخالف جنگ با اشغالگران سرزمین خود و زندانبانان هستند؟ اما اگر هم بپذیریم که اکثریت مردم غزه با چنین جنگی مخالفند آیا حق تلاش برای کسب آزادی، از اقلیت خواهان آزادی سلب می‌شود؟ این داستان در مورد مجاهدان غزه هم صادق است. چطور می‌توان پذیرفت که برای کشوری که بیش از ۷۰ سال است دست به اشغالگری و کشتار زده، حق دفاع با وجود کشته شدن هزاران کودک فلسطینی در چنین جنگی محفوظ است، اما برای اشغال شدگان کوشش برای یافتن راهی به بهانه کشته شدن غیرنظامیان امری مذموم و جنایت جنگی است؟ زمانی که ارزش‌ها به بهانه سیاست به ضد خودش بدل می‌شود همه چیز قابل توجیه و یا بر عکس غیرقابل توجیه می‌شود. در واقع گاه چنین چالش‌هایی بیش از آنکه از منطبق برخوردار باشد مغلطه‌ای است برای به اسارت گرفتن حق به ازای یک تفکر سیاسی خواهانه استفاده می‌شوند. حکومت‌های دیکتاتور در واقع خود از سپر انسانی استفاده می‌کنند اما آزادیخواهان را متهم به در معرض خطر قرار دادن بیگناهان می‌کنند تا آنها را در این چالش اخلاقی قرار دهند که آیا آنها محقند تا برای رسیدن به راهی از خودکامگان، دیگران را به خطر اندازند؟ و اگر پاسخ به این پرسش مثبت باشد، آزادیخواهی بی‌معنا خواهد شد. چگونه می‌توان مبارزه کرد بدون آنکه دیگری آسیب ببینند؟ مردم غزه بدون چنین عملیاتی چگونه ممکن است روزی رها شوند؟ تلاش برای رسیدن به آزادی، امری فطری است که نمی‌توان از انسان‌ها سلب کرد و هیچ قانون نوشته و نانوشته‌ای مانع آن نخواهد بود و این چیزی است که گاه به عمد کوشش می‌شود تا فراموش شود.

*روزنامه نگار

مرگ یا آزادی

تبسم‌نمازی*



چگونه می‌توان مبارزه کرد بدون آنکه دیگری آسیب ببینند؟ مردم غزه بدون چنین عملیاتی چگونه ممکن است روزی رها شوند؟ تلاش برای رسیدن به آزادی، امری فطری است که نمی‌توان از انسان‌ها سلب کرد و هیچ قانون نوشته و نانوشته‌ای مانع آن نخواهد بود و این چیزی است که گاه به عمد کوشش می‌شود تا فراموش شود. آزادی، همیشه و در طول تاریخ و حتی پیش از مدنیت مسئله انسان بوده و آدمی همواره تلاش کرده تا بتواند این حق را حفظ کرده و مانع از دست دادن آن شود. ولی اگر کسب و یا حفظ این حق با حق حیات انسانی دیگر در تضاد قرار گیرد چه؟ آیا باید زندگی بدون آزادی را به مرگ در راه آزادی ترجیح داد؟ اینجاست که چالش اخلاقی شکل می‌گیرد. اما در فلسفه اخلاق، این منافع و مصالح افراد است که می‌تواند به عاملی تعیین کننده بدل شود. فرض کنید که دو انسان را بی دلیل و برای مدت مدید در کنار یکدیگر زندانی کنند و اگر یکی از آنها بخواهد خود را آزاد کند، ممکن است جان نفر دوم به خطر بیفتد. از منظر نفر اول، این حق اوست که بخواهد آزادی خود را که همان زندگی اوست حتی به قیمت جان نفر دوم نجات دهد. برای این فرد، زندگی در حبس چیزی جز مرگی تدریجی نیست. اما برای فرد دوم زندگی مهمتر از آزادی است. او ترجیح می‌دهد به امید آنکه شاید روزی آزاد شود، در محبس بماند و دیگری را هم وادار کند که به خاطر زندگی او از قید رستگاری اش بگذرد. اما حق کدام یک از این دو نفر است؟ اگر هر دو در اسارت بمانند یکی زنده است و دیگری مرده و اگر فرد اول به قیمت جان نفر دوم فرار کند باز یکی زنده است و دیگری مرده و در هر دو حالت یکی باید از حشش به شدت دیگری بگذرد یا یکی حشش را در ازای حق دیگری به دست آورد. مدت هاست که میان اندیشمندان این بحث مطرح است آیا حق حیات برتر از حق آزادی است؟ میان متفکران غربی دیدگاه‌های متفاوتی در مورد اولویت حق حیات نسبت به حق آزادی وجود

یادداشت

مراقب این نسل باشید؛ باجو و بکام هم پناحتی خراب کردند!



سپهرستاری تیم ملی نوجوانان ایران علی‌رغم نمایش‌های درخشان، از جام جهانی حذف شد. تیم ملی نوجوانان ایران پس از چند نمایش درخشان از جمله کامبک مقابل برزیل، در بازی با مراکش شکست خورد و از جام جهانی زیر ۱۷ سال کنار رفت. پس از حذف نوجوانان ایران، انتقادات از حساس نفری بابت چپ زدن پناحتی‌اش اوج گرفت و همه نمایش‌های عالی او و دیگر نفرات را فراموش کرد. خراب شدن پناحتی و حذف از جام جهانی در نوع خود اتفاق بسیار تلخی است اما فوتبال ایران باید به خود بیبالد که نسلی

جام جهانی را نباید یک فاجعه تلقی کرد. بزرگ‌ترین ستارگان دنیای فوتبال مثل روبرتو باجو، دیوید بکام و حتی کریستیانو رونالدو و لیونل مسی هم در بازی‌های بزرگ پناحتی خراب کرده‌اند و فشار آوردن به این بچه‌ها اشتباه بزرگی است. در شرایط فعلی به جای تمرکز روی چپ زدن بازیکن نوجوان تیم ملی، باید همه تلاش‌ها در جهت فراهم کردن امکانات برای نفرات تیم ملی باشد تا بتوانند به پیشرفت خود ادامه دهند. آن‌ها تازه در اول مسیر فوتبالی خود قرار دارند و موفقیت یا عدم موفقیت در جام جهانی نمی‌تواند تمام دوران حرفه‌ای آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. این نسل در نوجوانی توانسته بدون ترس از نام‌هایی چون برزیل و انگلیس مقابل آن‌ها بایستد و تا آخرین ثانیه بجنگد. حالا هم موضوع مهم این است که فدراسیون فوتبال از تیم‌های پایه حمایت کند و امکانات لازم برای آن‌ها را فراهم سازد.